

باختر امروز

مؤسس : شادروان دکتر سید حسین فاطمی
نشریه سازمانهای چپه ملی ایران در خارج از کشور
(بخش خاور میانه)

شماره ۶۰ سال پنجم

دوره چهارم

نیمه دوم آذرماه ۱۳۵۳

- ★ انتشارات جدید :
- ★ ما توپاماروها جلد سوم نوشته توپامارو
- ★ انقلاب ویتنام ، مسائل اساسی و تکالیف اصلی
- ★ چریکهای فدائی خلق
- ★ در باره اصلاحات اراضی و نتایج مستقیم آن
- ★ چریکهای فدائی خلق
- ★ بررسی شرکتیهای سهامی زراعی
- ★ چریکهای فدائی خلق
- ★ بررسی ساخت اقتصادی روستاهای کرمان
- ★ چریکهای فدائی خلق
- ★ اصول مخفی کاری فن مبارزه با پلیس
- ★ مجاهدین خلق
- ★ احتضار امپراطوری دلار و توپخانههای
- ★ امپریالیستی امریکا
- ★ مجاهدین خلق



بزرگ داشت از چهار چریک خلق - برادران سپهری -

دوران ما ، دوران شکوفائی نبردهای رهایی بخش خلقهای در زنجیر ، دوران شکوفائی مبارزات مسلحانه و عصر دست یابی به آزادی و رهایی از چنگ سرمایه داران و غارتگران امپریالیست است . در دوران ما امپریالیسم دانما در زیر ضربات کوبنده خلقها هر روز ناتوان تر میشود و خلقها در نبرد رشد یابنده خود به سوسیالیسم یعنی رهایی بشریت دست مییابند این دست یابی به سوسیالیسم پیوسته با نادرانها و جانبازیهایی بی حد شیفتگان سوسیالیسم همراه بوده است .

شهیدان قهرمان خلق ما نیز در چنین راه و بسا چنین آرمانی بزرگ و انسانی برای پیشبرد امر مبارزه با رژیم استعمارگر و دستنشانده محمد رضا شاهی جان باختند و بخاطر حفظ منافع خلق در مقابل نیروهای ارتجاعی و امپریالیسم تا آخرین دم حیات پایمردی و ایستادگی کردند ، ایستادگی قهرمانانه آنان فصل جدیدی در تاریخ مبارزات خلق ما در عهد و پیمان با نوده های زحمتکش کشور ، با اعتراف این فصل نویسن تاریخ میهن ما یعنی از آغاز مبارزات مسیحانه در سیاهل نزدیک به چهار سال میگذرد و در این مدت رفقای بسیا ارزنده ای با کوله های امپریالیستها با فریادهای یا مرگ یا میهن آزاد شده از پای درآمده و با خون خود خانه میهن را تلکون کرده اند و مبارزین بسیاری نیز در سیاهلجای رژیم دیکتاتوری و فاشیستی شاه در زیر شکنجه های سخت همچنان بمقاومت دلورانه خود ادامه میدهند و چون کوه برپای ایستاده اند . ولی ما با وجود همه درنده خونیهای رژیم ، همه روزه شاهد درگیریها و جانبازیهای مبارزین و گسترش بیسابقه مبارزه مسلحانه توسط پیشگامان خلق می باشیم . حکومت فاشیستی شاه غیرم فشار و خفقانی که در میهن ما بوجود آورده است ، علیرغم برقراری حکومت نظامی مخفی در چهار سال اخیر و علیرغم مسلح شدن تا دندان و خرید میلیاردها دلار اسلحه که جهت نابودی خلق ما و خنقهای دیگر منطقه تهیه دیده است ، هرگز نتوانسته جنوی این موج نوین مبارزاتی ما را که میاید تا چون سیل خروشان و بنیانکنی تاج و تخت ننگینی را نابود سازد ، بگیرد ، گرچه در این راه ما شهدای فراوانی داده ایم ولی مبارزات خلق ما بقیه در صفحه ۲

کارزاری جدید در مشوب کردن اذهان

لبه تیز مبارزه علیه دشمن عمده خلق ، طبقه حاکمه کنونی و سرکردگان امپریالیست است ، ولی نباید تصور کرد که عطف توجه بسوی دشمن عمده مانع از مبارزه با کارشمنان و منافعین رنگارنگ خواهد شد .

مبارزه امری انحصاری نیست . در جوامعی مانند جامعا که مناسبات تولید داری بتازنی بصورت مناسبات غالب در آمده و سرمایه داران با شرارت یا اثناء برا امپریالیسم سلطه شوم خود را بر جامعه گسترده اند ، در جامعه ای که افشارو طبقاتی بسرعت در حال زوانند و افشار و طبقات جدیدی در حال رشد ، امر مبارزه امری بسیار پیچیده است . هم آنان که خواستار ادامه روابط تولیدی کهن هستند وهم آنان که خواستار تسریع بر قراری مناسبات تولیدی متعالی و مترقی تر از سرمایه داری ، طبعا با نظام موجود مخالفت میورند . مخالفین نظام ، طیف وسیعی را تشکیل میدهند که در میان آنان از عناصر از نظر تاریخی مرتجع تا عناصر انقلابی مترقی رامیتوان تشخیص داد . هر قدر مبارزه به پیش میرود و هر اندازه روابط تولیدی کهن بیشتر متلاشی میشود ، تعداد عناصری که به طبقات میرنده تعلق داشتند کمتر شده و تراکم مبارزین انقلابی در میان مخالفین نظام بیشتر و بیشتر میشود یعنی مبارزه بطرف چپ سوق میدهد . این چیزی است که امر پروسه تصفیه در صفوف مبارزین از نقطه نظر طبقاتی میانیم . و این پروسه در ایران قسمت عمده مسیر خود را پیموده است . در میان مخالفین نظام کنونی اثریت منطق با انهناسی است که با رژیم از آنجهت دشمن هستند که آنرا مانعی برای برقراری مناسبات تولیدی متعالی تر و مترقی تر نمی بینند . و اگر هنوز کسانی در این یا آن گوشه پیدا میشوند که مخالفشان بر مبنای خواست آنها به بقراری مجدد روابط تولیدی کهن است تردیدی نیست و که چون متعلق به طبقات میرنده هستند روز بروز بزوال قطعی نزدیکتر میشوند و پروسه تصفیه طبقاتی به پایان خود در این مرحله نزدیکتر میشود .

اخبار

این یکی از عمده ترین مزایای یک مبارزه ، یک جنگ درازمدت است که باعث نابودی نقطه نظرهای فئودالی و دهقانی میشود و عنصر سوسیالیستی انقلاب را تقویت میکند . معینا نابودی این طبقات در طول زمان قابل پیش بینی ، و در شرایطی مانند شرایط ایران قطعی است . ولی چون ما با افشاری از خرده بورژوازی نیز سروکار داریم که متعلق به دوران سرمایه داری است ، و نه در مقابل آن ، لاجرم پایدارتری از افشار میرنده است و تا روابط تولید سرمایه داری وجود دارد آنها نیز وجود خواهند داشت .

خرده بورژوازی ، قشر مردد ، متزلزل و مذنبب عصر ، قشری که خیلی زود پامبگیرد ، گاه باین طبقه و گاه بان یک می چسبند و میکوشند تا گلیم خود را از آب بیرون بکشند . بخشی از آنان در میان مخالفین رژیم نیز خواهند بود . این بخش از خرده بورژوازی در ایران بعلت تحت فشار بودن زیاد از طرف امپریالیسم و رژیم وابسته بان دارای خلصت های انقلابی بسیاری است و در مبارزات رهایی بخش فعالانه شرکت میکند . وظیفه پیشاهنگ طبقه کارگر در مقابل این مسئله چیست؟

بقیه در صفحه ۴

۱۳۵۳ خرداد ماه که خشونت مبرلم را خشونت انقلابی مانع دهند

جبهه ملی و حزب توده، بعقل بسیار زیادی - اجتناب ناپذیر واجتنب پذیر هر دو - در رهبری مبارزات خلق تا کسب پیروزی نابون بودند . و این نه یخباربلند چند بار ثبت شده با وجود آنکه دستاوردهای جبهه ملی مانند اقدام عظیم ملی کردن صنایع نفت بسیار وسیعتر ، و حمایت خلق از آن گسترده تر بود، و با آنکه مردم تساقیل از ۱۵ خرداد هنوز وسیعا از آن حمایت میکردند، معهدا باندازه نیاز زمان تحرك و بینشش نداشتست و تشکیلاتش متلاشی شد . حزب توده سانها پیش از آن، یعنی با اولین یورش ارتجاع موجودیت خود را بعنوان یک نیروی اجتماعی از دست داده بود، و حتی در سالهای ۴۰ نیز توانست تحركی از خود نشان دهد و همچنان در نقش تماشاجی باقی ماند . این بود که مبارزن صدیق، آنها که در پی شکل‌هایی از سازمان بودند که محتوای انقلابی را بطور کامل بپذیرد، بنای سازمانهای نوینی را ننهادهند . و این امری بود ضروری و اقدامی بود که مبارزه ایجاب میکرد . برای عناصری که از تشکیلات دو سازمان قبلی در داخل یا خارج از کشور باقی مانده بودند، در مقابل پیدایش سازمان‌هایی که موادهای مرحله نوین مبارزه بودند تنها کار انقلابی این بود که حمایت خود را متوجه آنها کنند . ما بسهم خود چنین کردیم . بسیاری از عناصر قدیمی حزب توده که در ایران مبارزه میکردند و بحق اعتقادشان از رهبری و تشکیلات خارج سلب شده بود نیز چنین کردند . ولی تشکیلات خارجی حزب توده - کمیته مرکزی - چنینس نکرد . نه تنها چنین نکرد بلکه در مقابل سازمانهای نوین ایستاد . به آنها بد گفت . با تمام قوا بمبارزه یا آنها رفت . صفحات نشریات و دقایق رادیوهایش مملو از مبارزه با این سازمانها شد . ولی البته بی‌فایده بود . و البته نمیشد جلو رشد سازمانهایی را که ضرورت مبارزه‌اند گرفت .

ماهیت تشکیلات حزب توده از همان ابتدا چنان بود که هر گاه جنبش مردم اوج میگرفت با آن مخالفت میکرد . مبارزات آن عمیه نهضت ملی، عملکرد آن در ۳۰ تیر، موضع گیری علیه جنبش ۱۵ خرداد، سوابق بسیار ملموسی بودند که زمینه این موضع گیری جدید علیه مبارزه مسلحانه را تشکیل میدادند ! مخالفت با جنبش مردم، بحساب اینکه خودشان در آن یا در رهبری آن شرکت نداشتند اند از یکطرف، و عدم تحرك و انتعصال مطلق در لحظاتی که باید حرکت میکردند از طرف دیگر، ترجیح بندهای یک مسیر تراژیک را ساخته‌اند . مسیری که در آن حزب توده بعنوان یک سازمان خرده‌پورژوازی، که زمانی تشکیلات وسیع داشت، نتوانست باندازه نیروی خود نیز برای خلق دستاوردی کسب کند .

اما شرایط جهانی تغییر کردند، تضادهای رشد کردند، تضاد های دیگری نمایانند و بالاخره با تشدید موقتی تضاد ایران و شوروی، خط تاکتیکی کمیته مرکزی نیز تغییر کرد . حملات به سازمانهای انقلابی کم شد، حمله علیه رژیم ایران تشدید یافت، و اگر سابقه حزب توده در مقابل چشمان خلق نبود بعید نبود که کسانی تصور تنبه و تغییر استراتژی آنها بکنند . اوج این تغییر زمانی بود که کمیته مرکزی پیامی به سازمان مجاهدین خلق فرستاد ولی همانوقت نیز پیدای بود که دلائل عمده ارسال این پیام نکات زیر بوده‌اند :

- ۱ - دنیالیه روی از سیاست جدید شوروی .
- ۲ - اعتراف اجباری بوجود سازمانهایی که تا دیروز کارکرد آنها را در جهت منافع امپریالیسم میخواندند .
- ۳ - نفی ضمنی سازمان چریکهای فدائی خلق (چون آنها سازمان مارکسیستی - لنینیستی هستند و این هنوز برای کسانی که این عنوان را مانند مدال انحصاری بر خود آویزان کرده‌اند ناقابل پذیرفتن نبود .
- ۴ - کسب اعتبار برای خود با ایجاد شبهه تماس با سازمان مجاهدین .

و همه اینها همزمان و در خدمت مسئله تشدید تظاهر تضاد ایران و شوروی بود . البته حزب توده گمان کرده بود که مجاهدین بخاطر دامن نژدن به مسئله حزب توده در ایران - که سالیهاست دیگر مسئله‌ای نیست - و ملاحظاتی دیگر، جوابی به این پیام نخواهند داد و همین امر، یعنی ندادن جواب آب به اسباب ایجاد شبهه تماس خواهد ریخت و این همان بود که کمیته مرکزی

با برخورداری از چهار سال تجربه از درگیریها و از نبردهای خونین آنچنان رشد یافته و بسطج بالایی ارتقا پیدا کرده که نه حمایت امپریالیستها از شاه و نه انتشار پلیسی و نظامی حکومت ضد خلقی شاه و نه شکنجه‌های قرون وسطائی و نه هیچ توطئه دیگری قادر نخواهد بود جلوی پیروزی خلق را بگیرد و او را از پای در آورد .

رژیم ننگین شاه هر روز به شیوه جنایتکارانه جدیدی دست میازد تا مگر چند روزی بیشتر بعد ننگین خود بیفزاید ولی سیر تاریخ خود نشان دهنده شکست و

میخواست . ولی در اینجا نیز حسابش نا درست بود، و بعقل قیاس بنفس و علم شناخت، و موضعگیر علمی مجاهدین را در قبال حزب توده یا موضع نداشتن و یا حتی سکوت در مقابل تحريك یکی بنداشته بود .

معهدا آنها حتی در ادامه همین تاکتیک هم تداوم نداشتند . هنوز مدتی از ارسال پیام به مجاهدین نگذشته بود - پیامی که در آن هیچ شیوه مبارزه نفی نمیشد و تعددا مطالب طوری آورده شده بود که عملیات مسلحانه را بطور ضمنی برای دیگران (و البته نه برای خود) میبذیرفتند - که ناگهان فریاد مبارزه علیه خرابکاران از نو بلند شد ! قضیه این بود که ظاهرا عده‌ای - که عوامل مشکوک بوده‌اند، یا عناصری ناآگاه - لوله گاز ایران به شوروی را منفجر کرده بودند و کمیته مرکزی ناگهان به اصل خود رجعت کرد و سازمان‌های مبارز در ایران را مورد زشت‌ترین توهین‌ها قرار داد . ولی چون مسائلی که تغییر ظاهری تاکتیک را ایجاب میکردند هنوز بقوت خود باقی بودند، دوباره نحن نوشته‌ها مرحمت آمیز شد، در دومین شماره دوره جدید مجله دنیا به نوشته‌ای برمیخوریم که در آن از سه جریان سیاسی در کشور سخن میگردد .

حزب توده، فدائیان و مجاهدین ! و البته حزب توده رهبر طبقه کارگر و آن دوی دیگر نماینده اقلشاری انخرده بورژوازی . یعنی این کل مرحمت هم بخار طعنه نبود ! و باز چون میدانستند که مردم حرفهای آنان را باور نمی‌کنند، در همین مقاله شایعه دیگری پراکنند مبنی بر اینکه از ایران اخبار نوبدبخش (!) در مورد زودیت شدن این سه جریان بهم پخش می‌رسد . پکوش چه کسی رسیده است ؟ آیا این پندار مشتاقانه پیرمردانی دور افتاده از وطن است، یا حساسیگری عده ای سیاست باز حربه ای ؟ و اگر کسی کوچکترین شناختی از حزب توده داشته باشد میداند که جواب کدام است . دومی است ! و بالاخره اینبار نظرش متوجه سازمان چریکهای فدائی خلق نیز گردید . چه ، سازمان چریکهای فدائی خلق طی چهار سال مبارزه سیاسی - نظامی خود در زیر چنگال دشمن، به رشد قابل توجهی رسیده بود و حزب توده متوجه شد که نمیتواند منکر وجود این سازمان که بعنوان یک سازمان مارکسیستی - لنینیستی در ایران تثبیت شده، گردد . بنابراین یک پیام رادیویی نیز خطاب به چریکهای فدائی خلق فرستاد (در مجله دنیا شماره ۵، آبانما ۵۳ منتشر شده است) که در آن فرصت طلبانه، اکاذیبی در مورد مواضع ایدئولوژیک سازمان مزبور نشر داده، پندرمشنامه به نصیحت این رزمندگان انقلابی پرداخته است . اگر آنها اشتباه نشود ! مبارزه امری انحصاری نیست . اگر آنها نیز میخوانند - بهر دلیل - با رژیم شاه مبارزه لفظی کنند کسی مانع مبارزه آنان - و مانع مبارزه هیچ کسی دیگر - نیست . این گوی و این میدان ! اگر آنان - و هر کسی دیگر - به انواع دیگری از مبارزه معتقدند باز کسی مانع نیست ! پیش آهنگان خلق بمبارزه قاطعانه و مسلحانه خود ادامه میدهند و جز آنان هم گروه و گروهک‌های فرمیست و یا شعاری و غیر جدی قادر بمبارزه طولانی نیستند و یا اصلا اهل مبارزه نیستند . بهر حال آنها میتوانند هر گلی میخوانند بسر خود بزنند .

مبارزین خلق با وجودی که میدانند اینان اهل مبارزه نیستند، تا جایی که مزاحم مبارزه خلق نشوند، ایجاد شبهه نکنند، خود را بزور لای چرخها نکنند، با آنها توجیهی نخواهند کرد . لبه تیز مبارزه علیه دشمن عمده خلق، طبقه حاکمه کنونی و سرکردگان امپریالیستش است ولی هیچ کسی نیاید تصور کند که عطف توجه بسوی دشمن عمده مانع از مبارزه با کارشکنان و منافقین رنگارنگ خواهد شد . مبارزه امری انحصاری نیست، ولی مبارزه با رژیم از مبارزه با کسانی که با مبارزین دشمنی میکنند نیز جدائی پذیر نیست .

نابودی اوست . ولی آیا شکست و نابودی دشمن و پیروزی خلق خود بخود بوجود میاید ؟ هرگز نه ! برای شکست دشمنان و رسیدن به پیروزی فداکاری و جانبازی و کار و کوشش پیگیر لازم است . جنبش مسلحانه ما به رزمندگانی احتیاج دارد که مسئولیت تاریخی خود را درک کرده و با صداقت بی پایان و عشق سرشار به توده‌های زحمتکش، شجاعانه در جهت منافع خلق کام بردارند . قهرمانانی که در این لحظات انقلاب مین ما جان فدا میکنند، فرزندان راستین خلقند و مانورهای فراوان از این مبارزین را بیاد داریم و هرگز خاطره رزمجویی‌ها و فداکاریها، و جانبازیهای آنها فراموش نمیشود، از این جمله اند برادران سپهری، رفیق سیروس سپهری - رفیق فرخ سپهری - رفیق ایرج سپهری و رفیق فرهاد سپهری - این چهار برادر با خصصال انقلابیشان با روحیه مبارزه جوانانه شان و با اراده خل ناپذیرشان چهار رفیق و چهار یار انقلابی جدا نشدنی از هم بودند که تمام زندگی خود را با تلاشی خستگی ناپذیر و با شجاعت و بی باکی تمام در راه خدمت به خلق نداشتند و حتی مرگ آنها نیز با حماسه‌های پرشکوهی نه هنگام شهادت انقلابیشان فریادند : در خدمت انقلاب فرار گرفت .

انان در راه خلق شجاعانه تا آخرین لحظه حیات جنگیدند و بدرستی مفتخر بنام «فرزندان راستین خلق» شدند و در آغوش کرم خلق زحمتکش مین ما جای گرفتند . تعهد و پیوند برادران سپهری با خلق، صداقت بی پایانشان ایستادگی و پایداری شان در نبرد رویا زوی با دشمن سرمشق کرانهایی برای همه مبارزین که بلی آکنده از کینه بدشمن دارند خواهد بود . زندگی انقلابی این چهار برادر و رفیق مبارز نمونه‌ای از زندگی چریک فدائی خلق است .

رفیق سیروس سپهری نمونه یک چریک فدائی خلق بود که با ایثار خون خود نهال انقلاب ایران را آبیاری کرد و در نتیجهای خلق را میشناخت و با تمام وجود آنرا لمس می نمود، روحیه مبارزه جوانانه، صداقت و مهربانی خاصی که او نسبت به توده‌های زحمتکش داشت . او را از همان اول در صف خلق قرار می داد . رفیق از استقامت و استمی که در حق کارگران و مسام رحمتشان مین ما اعمال می شد، و آنها را از داشتن نام نعمت ردمی محروم می سارد، بسیار رنج می برد و همواره در دلبش بود زامی برای نابودی دشمنان حس بیاید . او در دانشگاه متعدده در مبارزات دانشدهای سرت می جست و برای بالا بردن شناخت خود از جامعه و یافتن شیوه‌های ضروری مبارزه طبقاتی به مطالعه متون مارکسیستی پرداخت، در این دوره دشمن برای محدود کردن فعالیت های سیاسی اش در دانشگاه او را از تحصیل محروم کرد، و بصورت سرباز صفر به پادان نظامی فرستاد . بعد از فارغ التحصیل شدن از دانشکده کشاورزی رفیق خود را به پول نفروخت و هرگز از راه خلق بازنگشت . او توسط رفیق فرخ سپهری رفیق شاهرخ هدایتی و چند نفر دیگر از دوستانش یک هفته مارکسیستی بوجود آورده بود و آنها قصد داشتند با امکانات محدود خود دست به عملیات مسیحانه بزنند که در این هنگام توانستند با سازمان چریکهای فدائی خلق ارتباط برقرار نمایند و مبارزه خود را جهت رهانی طبقه کارگر و زحمتکشان مین ما ادامه دهند . رفیق سیروس سپهری بعد از ورود به سازمان باتلاش خستگی ناپذیر، با بکار گرفتن تمام قابلیت‌ها و امکانات خود در پیشبرد اهداف انقلاب کوشش می کرد . او با داشتن تعهد انقلابی شدید، روحیه فداکاری و عشق و ایمان بی حد به خلق نمونه یک چریک فدائی خلق بود . گمتر کسی است که رفیق سیروس را بشناسد و چههره شاداب و امیدوارش را بخاطر نیابورد، او حتی در سختترین لحظات هم این روحیه را حفظ می کرد و همواره دشوارهای انقلاب را با چهره گشاد و آغوش باز می پذیرفت و برای حل آنها به فعالیت می پرداخت . در تابستان ۱۳۵۰ خانه تیمی او و دو رفیق دیگر به محاصره دشمن در آمد، در لحظات آغاز نبرد او بشدت زخمی شد و از این رو دو هم‌رزم دیگرش را و داشت که در پناه آتش او خود را از محاصره برهاند تا ضمن تکام نمودن دشمن، با نشان دهند که با آن همه امکاناتش در برابر قاطعیت و چابکی مبارزین چقدر حقیر و ناتوان است . رفیق سیروس با وجودیکه در این نبرد زخمی گزاری برداشته بود و بهیمن دلیل توانائی گریختن نداشت، یک تنه به آنچنان نبردی با دشمن برخاست و چنان بادر پیش گرفتن یک تاکتیک درست، گلوله هایش را از چند

چهره
تص
نیر
تما
بود
رژ
رف
شو
او
قهر
به
شد
این
بود
سوا
بود
را
مبار
با
پیو
خود
رفیق
سازه
معرف
شرد
سازه
خلق
شرد
موفق
محاص
سال
رفیق
چریک
در
که
گرامی
دشمن
او
دیگر
در
گیرد
از
است
صهیو
جهان
او
می
چنگ
هر
بی
حد
واحد
بی
نظ
کوه
است
می
های
به
سرمای
مخفی
سازما
مدتی
حین
آبادان
هو
تا
که

بزرگ داشت . . .

جهت به قلب دشمن شلیک کرد که دشمن هراسناک تصور می کرد چندین چریک فدائی در این حاره مشغول نبرد هستند باین ترتیب دو رفیق دیر که باشجاعت تمام در پناه اتش او خود را از محاصره خارج کرده بودند ، به سنکر دیرری رفتند که مبارزه خود را علیه رژیم ضد خلقی شاه ادامه دهند . در جریان این نبرد رفیق سیروس سپهری قبل از آنکه موفق به کشتن خود شود ، دستگیر شد ، و مزدوران ساواک طبق معمول او را زیر شکنجه ترین شکنجه ها کشانیدند و رفیق قهرمانانه در زیر این شکنجه ها مقاومت ورزید و همچنان به پیمان خود با خلق وفادار ماند و بالاخره در زیر همین شکنجه ها به شهادت رسید . ولی دشمن ۵ ماه بعد از این واقعه از آنجا که خبر شهادت رفیق همه جا پخش شده بود ، وقیحانه اعلام نمود که او در یک درگیری با عناصر ساواک کشته شده است ولی دشمن دیگر دیر جنبیده بود و چنین تبلیغات ضد خلقی نمی توانست توده ها را فریب دهد .

رفیق فرخ سپهری همچون برادر خود با روحیه ای مبارزه جویانه و قوی آندوه از عشق به خلق ، همزمان با رفیق سیروس به سازمان چریکهای فدائی خلق پیوست و بعنوان یک انقلابی حربه ای مبارزه بی امان خود را با دشمنان خلق آغاز کرد . صداقت بی پایان رفیق ، تلاش بیکنیز و برخورد فعالش نسبت به تارهای سازمان او را بعنوان یک انقلابی نمونه در نزد رفقای معری کرد . رفیق فرخ در چند عملیات مهم سازمانی شرکت داشت از جمله از یک هفته بعد از ورود به سازمان در یک واحد عملیاتی سازمان چریکهای فدائی خلق که مسئول انفجار پاسگاه راهمانی حانی آباد بود شرکت کرد و توانست در این عمل نقش خود را با موفقیت ایفا نماید . درگیری با دشمن در یک خانه محاصره شده و فرار موفقیت آمیز از آن خانه در تابستان سال ۱۳۵۰ نشاندهنده تحرک و قاطعیت چریکی اوست . رفیق فرخ سپهری بعد از یکسال مبارزه در سازمان چریکهای فدائی خلق در بهار سال ۱۳۵۱ در یک درگیری با دشمن قهرمانانه شهید شد . ما با این شاعر که او همواره بر لب داشت خاطره فراموش نشدنی اش را گرامی می داریم فقط وقتی مقاومت ما در زیر شکنجه های دشمن با تمام می رسد که کشته شده باشیم .

رفیق ایرج سومین برادر شهید سپهری ما است . او نمونه ای از یک کارگر مبارز ایرانی است که مانند دیگر برادرانش به مبارزه مسلحانه روی آورد . زندگی در عمل به رفیق ایرج اموخته بود که پایه اسلحه بدست گیرد و بادشمنان خلق به جنگ برخیزد ، او که سرشار از کینه عمیق طبقاتی نسبت به امپریالیست ها و تمام استثمارگران بود با روحیه انتزاعی و ناپستی که از خصصت های ویژه کارگری است ، از فلسطین بر علیه صهیونیست ها و امپریالیست ها که دشمنان تمام خلق های جهان هستند ، نبرد خود را آغاز کرد . نبردهای پرشکوه او و شجاعت او به رفیق در این نبردها از خود نشان داد ، می داد ، بزودی او را زبانزد تمام رفقای فلسطینی که در جنگ با همراش بودند ، روزمندان فلسطینی هرگز خاطره رفیق را که در جبهه بعثت بی باکی و شجاعت بی حد و قاطعیت های عملی فراوانش به فرماندهی یک واحد چریکی رسیده بود فراموش نمیکنند . دلاورهای بی نظیر «ابو سعید» نامی که چریکهای فلسطینی در کوه های جولان به او داده بودند هنوز در خاطره ها زنده است و همچنان تأثیر خود را بر روحیه روزمندان دیگر بجای می گذارد . رفیق ایرج بعد از دو سال فعالیت در صحنه های نبرد فلسطین و انجام عملیات موفقیت آمیز تصمیم به بازگشت به کشور گرفت تا مبارزه اش را علیه سرمایه داران بین المللی در خاک میهن ادامه دهد . رفیق مخفیانه با مشکلات فراوان به میهن بازگشت و به سازمان چریکهای فدائی خلق پیوست . رفیق بعد از مدتی فعالیت در سازمان در دوم شهریور ماه ۱۳۵۲ در حین انجام یک مأموریت چریکی از طرف سازمان در شهر آبادان با مزدوران جیره خوار رژیم روبرو گردید . او در این درگیری حماسه ای آفرید که هرگز از یادها فراموش نمی شود . رفیق با عزمی راسخ و ایمانی خلال ناپذیر ، آنچنان بی باکانه به جنگ بادشمنان پرداخت که با هر فریاد رفیق ، مزدوران رنگ باخته رژیم پراکنده

شده و هر یک به سوراخی می خزیدند تا از تیر ریش در امان بمانند .

خبز درگیری او و کشته شدن چندین مزدور در آن روز توسط رفیق ایرج مدتها جزو مطالب مهم روزنامه ها و اخبار رادیو و تلویزیون بود . او با عمل انقلابیش بما آموخت که باید اسلحه بگرفت و در نبرد رویا روی با دشمنان طبقاتی به قلب دشمن زد و تا آخرین گوله شجاعانه جنگید و زنده اسیر نشد . خاطره پرشکوهش جاودان باد . . .

رفیق فرهاد چهارمین برادر سپهری ما یک نمونه ارزنده دیگر از انقلابیون راستین میهن ما است . رفیق با عزمی راسخ مبارزه پیوسته و همچون برادران رزمنده خود با تلاشی پیگیر در راه خدمت به خلق قدم گذاشت و در سازمان چریکهای فدائی خلق به فعالیت پرداخت ، او می خواست با مبارزه بی امان و بی ایشار خون خود در راه انقلاب همه نشان دهد که چگونه رهائی خلقهای در بند به ناتوانی و زوال امپریالیسم می انجامد . او همواره میخواست تا آنجا که میخواست پشیمانده می خواست عمل کند ، و همین دلیل هر لحظه ای از تلاش پازناستانه ، اسلحه بر کف گرفت و به نبرد پرداخت . رفیق فرهاد بسطه امپریالیسم را جهانی می دید و می دانست که یک انقلابی صدیق باقتضای شرایط باید در هر گوشه ای از جهان که انقلاب در آن جریان دارد بر علیه امپریالیسم بجنگد . و همین خاطر و بی این ایمان و اعتقاد بود که رفیق در کنار خلقهای دیگر ، علیه امپریالیسم و مرجعین می جنگید و بالاخره جان خود را نیز در راه منافع خلقهای در زنجیر فدا کرد .

غارگران و سرمایه داران بین المللی این «فرزند راستین خلق» ، این چریک فدائی را در حالیکه فریادهای یا مرگ یا رهائی طبقه کارگر او فضا را پر کرده بود ، بر زیر رگبار مسلسلها گرفتند و بدن سرشار از حرارت و شوق و حرکت او را سرد کردند . انقلابیون ایران از روحیه بزرگ انتزاعی و ناپستی اش درس خواهند گرفت . خاطره شکوهمندش گرامی باد .

خاطره برداران سپهری ، رفقای ارزنده ما پیوسته در تاریخ مبارزاتی خلق جاودان خواهد ماند . پیوند ما با راه آنان ناگسستنی است و مبارزه این چهار چریک فدائی خلق تا سرنگونی کاخ ستعمارگر ، پیروزی کامل خلق ادامه خواهد داشت . زندگی این چهار برادر و چهار رفیق پاکبخته بخلق برای ما درس انقلابی پر افتخاری خواهد بود سازمان چریکهای فدائی خلق از داشتن چنین مبارزانی ارزنده بر خود می یابد .

ما به خانواده سپهری بخاطر داشتن چنین فرزندان قهرمانی تهنیت می گوئیم و از خانواده تمام شهدا و زندانیان سیاسی که فرزندان برومندشان در جنگ رهائی بخش خلق شهید شده یا در زندانهای شاه خائن اسیر می باشند تجلیل می کنیم ، آنها بدرستی میدانند که فرزندان آنها خود را فدای خلق خویش کرده اند . آنها می دانند که شاه جلاد زندانیان و قاتل فرزندان آنها و دیگر مبارزین انقلابی ایران است . آنها می دانند که باید دشمنان را نسبت به رژیم ضد خلقی شاه و محببتشان را نسبت به این رزمندگان شجاع توأم سازند و هر روز کینه خود را نسبت به دشمنان خلق بارورتر کنند و انتقام خون فرزندان خود و دیگر مبارزین شهید را از رژیم جنایتکار بگیرند سازمان چریکهای فدائی خلق بخاطر بزرگداشت خاطره شهدای قهرمان ، بخاطر تجلیل از خانواده های آنان و خانواده های زندانیان سیاسی پشتیبانی و همبستگی خود را از این خانواده ها که خود بخشی از نیروهای خلق می باشند و از نزدیک با جنایات رژیم شاه آشنا هستند ، اعلام می دارد . و از این خانواده ها می خواهد که در حد امکان خود در پیشبرد اهداف انقلاب بکوشند و از هر وسیله ای برای مبارزه علیه رژیم ضد خلقی شاه سود ببرند . سازمان چریکهای فدائی خلق به مبارزات این خانواده های انقلابی ارجح می نهد

درد به خاطر تاناک زنده گن شهید .
درد به زنده گانیکه در سیاهچالهای رژیم و تحت شکنجه های قرون وسطائی پایداری می کنند .
درد به خانواده شهدای انقلابی و زندانیان سیاسی که راه فرزندان خود را دنبال می کنند
سازمان حرکات فدائی خلق

اخبار - بقیه

کارخانه عقب نشینی کردند و کارگران در نتیجه همبستگی خود مقررات جدید را ملغی کردند .

★ اعتصاب در مدرسه عالی علوم اجتماعی و اقتصادی بابل

دانشجویان مدرسه عالی علوم اجتماعی و اقتصادی بابل از مدتی پیش خواست های خود را باطالع مدرسه رسانده و اعتراضات خود را در مورد غذاخوری دانشکته - بی سوادی استادان و گرانی کتاب و پلی کپی و غذا و غیره . . . اعلام داشته بودند و لیس مسئولین مربوطه بخواست های دانشجویان اعتنایی نکرده بودند . در این دانشکده هر دانشجو مجبور است هر دوره تحصیلی فقط ۵۰۰ ریال پول پلی کپی بپردازد و کتابی را که استادان مینویسند و قیمتش بالای ۲۵۰ ریال است ، بخرد . با وجودیکه کلاسها از ۱۴ مهر آغاز شده بود ولی تریای دانشکده تعطیل بود و صبحانه و نهار نینداد و دانشجویان مجبور بودند گرسنه بمانند (کلیه خوار و پار فروشیا و نانوائی ها هم بمناسبت ماه رمضان تعطیل بود) وقتی نماینده دانشجویان به مسئولین رجوع کرد حتی بحرفش گوش نکردند و گفتند : همینکه که هست بروید خدا را شکر کنید والا گرانتر هم خواهیم کرد و هیچ غلطی هم نمیتوانید بکنید ، هر کاری از دستتان بر میاید بکنید .

دانشجویان از پاسخ مسئولین سخت خشمگین شده و بر شدت تظاهرات و شعارهای خود افزودند و تا یک بعد از نیمه شب در دانشکده ماندند . در این موقع گفتگویی بین دانشجویان و مسئولین روی داد و مسئولین بجای توجه به خواسته های دانشجویان به تمسخر آنان پرداختند ، دانشجویان که تعداد آنها حدود هزار نفر بود حمله کردند و به مسئولین نشان دادند که بر خلاف تصور آنها خیلی کار از دستشان بر میاید . در این حمله در و پنجره و میز و تیبکت و شیشه ها و غیره شکسته شد و خسارات زیادی در دانشکده وارد شد . تعداد دانشجویان هر لحظه زیادت می شد . ازدحام آنها در خیابان مانع عبور و مرور اتومبیلها شده و از بوق اتومبیلها و سر و صدای مردم غوغائی راه افتاده بود و مردم اجتماع کرده و هر کس چیزی می گفت : ((مگه جنگه ؟ کار دانشجویان چه ربطی به پاسبانها دارد ؟ - چرا باتون بدست هستند ؟ - چرا هفت تیر دارن میخوان چریک بگیرند ؟ - حدود ساعت ده تصدات دانشجویان به هزار و پانصد نفر میرسید . در این موقع به مأمورین اخطار شد که کاری بکار دانشجویان نداشته باشند و راه را برای ورود به دانشکده باز کنند . ولی آنها توجه نکرده و دانشجویان را تهدید به کشتن با اسلحه میکردند . در این موقع دانشجویان با مأمورین گلاویز شدند و بزد و خورد پرداختند چون تعداد مأمورین کم بود کتک مفصلی خوردند و سه چهار نفرشان دست و پایشان شکست که هم اکنون در بیمارستان بابل بستری میباشند . دانشجویان وارد دانشکده شدند ولی مأمورین شهرپانی با ماشین های متعدد رسیدند و به دستگیری دانشجویان پرداختند دانشجویان باشین ها حملهور شدند ، مأمورین را از ماشین ها پیاده کرده و کتک میزدند . این درگیری ۴۰ - ۶۰ نفر دانشجو دستگیر شدند . دانشجویان متفرق شدند . بعد از ظهر جاده جلو دانشکده که مسیر اصلی جاده بابل - چالوس است از جلو میدان تا دو کیلومتری ورود ممنوع بود و در شهر حکومت نظامی برقرار کردید . مأمورین کمی از بابل - شاهی - ساری و همچنین از ژاندرمری کوچه ها و خیابانهای شهر را پر کرده بودند . دانشجویان خلق دسته های ۱۰ نفری تقسیم شده و در حوائی بازار ، میدان و خیابانهای اصلی شهر بحرکت در آمدند و با

مردم از زدگی و فساد رژیم مزدور و از خیانتها بشناسان نملت و وحشیگریهایی که با خواهران برادران زندانی آنها میکنند صحبت میکردند و مردم را از اوضاع با خبر میساختند . با لآخره در تاریخ ۲۶ مهر ماه خواسته های دانشجویان مورد قبول واقع شد ولی دانشجویان از رفتن به کلاس خود داری کرده و خواستار آزادی دانشجویان دستگیر شده هستند . در شهر

باختر امروز

کرامی باد خاطره شهدای «وگر و ابوذر»



ماشاهاله سیف



عبدالله خداحرمی



حجت‌الله عبدلی



ولی‌الله سیف



بهمن منشط

روح‌الله سیف

اوایل تابستان ۱۳۵۲ عده‌ای از جوانان میهن‌پرست و مبارز ایران در نیاوند که تحت تأثیر مبارزات انقلاب ایران قرار گرفته بودند، گروهی سیاسی - نظامی، بنام ((گروه ابوذر)) تشکیل داده و شروع بعملیای مسلحانه نمودند. افراد این گروه از جوانان پرشور و غیرور نهانند بودند. آنها چند عمل مسلحانه را با امکانات محدود خود با موفقیت انجام دادند. از جمله عملیاتی آنان خلع سلاح یک پاسبان در قسم، کشتن یکی از ثروتمندان منفور نیاوند، انفجار مرکز سازمان ارتجاعی زنان نیاوند بود. رژیم پس از این عملیات عده‌ای از آنان را دستگیر و شش نفر از آنها را با اسامی عبدالله خداحرمی، ماشاهاله سیف، روح‌الله سیف، ولی‌الله سیف، بهمن منشط، حجت‌الله عبدلی در سحرگاه ۳۰ بهمن ۱۳۵۲ اعدام کرد و برفقه‌ا لفاکر خراسانی، ولی‌الله کشفی، محمد طالبیان، حجت‌الله آوزمانی و علی‌رضا گدی را بین پنج تا پانز سال زندان محکوم کرد. خبر عملیات، دستگیری و سپس اعدام افراد این گروه انعکاس وسیعی در نیاوند پیدا کرد و عده زیادی بطرفداری آنان برخاستند. رژیم در این ارتباط بیش از دویست نفر از اهالی نیاوند دستگیر کرد. پس از مدتی، بقایای این گروه در تیرماه ۵۴ درصد اعدام دادستان دادرسی ارتش، تیمسار خواجه نوری خائن برآمدند، ولی در این عملیات یک نفر از رزمندگان گروه بهشادت رسید و چند نفر از نگهبانان خواجه نوری کشته میشوند. گرچه در این عمل رفقاموفق با اعدام خواجه نوری نیکگردند، ولی شناسائی مدارک دقیقی که برای انجام عملیات بعمل آورده بودند، حاکی از روحیه رزمجویانه و انقلابی آنان میباشد. عکس پنج نفر از شهدای این گروه بدست ما رسیده‌است که ما بخاطر بزرگداشت خاطره این رزمندگان آنها را چاپ میکنیم و موفقیت ((گروه ابوذر)) را در امر مبارزه انقلابی خواستاریم.

میکندند که کارگران نباید دستجمعی بصرف غذا بپردازند و کار را تعطیل کنند. کارگران باید به گروهها کوچک تقسیم شده و در فرصتی کوتاه غذا صرف کر و بدون اینکه تعطیلی در کارخانه رخ دهد جای خود با گروه های دیگر تعویض نمایند، کارگران که اینهمه بیشرمی بستمه آمده بودند به عنوان اعتراض دست از کار کشیدند و دستجمعی بطرف اهواز حرا کردند (کارخانه نورد خارج از شهر قرار دارد) در راه کارگرانی که برای شیفت بعدی بکارخانه میآمدند به آنها بر خورده و آنها هم بعنوان اعتراض به رفقا خود پیوستند. روسا و گردانندگان که اوضاع نامساعد تمسخر دادند خود را بجلوی صف کارگر رسانده قصد داشتند آنان را از حرکت باز دارند. کارگران که سخت باین عمل روسا معترض بودند از گونه توافقی در این باره سرباز زدند. در نتیجه روسا بقیه در صفحه ۲

بمنظور نشان دادن آتش خشم و کینه خود نسبت به سرمایه داران درباری و اعلام همبستگی انقلابی خود با سایر کارگران و چریکهای فدائی خلق، دست باین عمل زده باشند.

★ اعتراض کارگران کارخانه نورد اهواز :

سرمایه داران سود جو پیوسته در پی آنند تا از حداکثر نیروی کارگران استفاده کرده، بر سود خود بیافزایند. برای آنها سلامتی و زندگی کارگران مطرح نیست. قانونی که آنها دارند، چنین حکم میکند که آخرین رفق کارگران را کشیده و بخدمت سرمایه در آورند. در کارخانه نورد اهواز کارگران اجازه داشتند که دستجمعی یکساعت برای صرف نهار دست از کار بکشند تا جانی تازه کرده و دوباره خود را برای کار بعد از ظهر آماده نمایند. روسای کارخانه نورد اهواز از اینکه یکساعت ماشین ها از کار میافتند و کارگران قدری استراحت میکنند، سخت ناراضی بوده و چنین مقرر

اخبار - بقیه

زندان قزل قلعه بنی تخلیه شده و زندانیان آنرا به اوین منتقل کرده‌اند.

★ بدنبال خیر انفجار خانه پایگاهی مجاهدین واقع در خیابان شیخ هادی که منجر به زخمی شدن دو رفیق مجاهد لطف‌اله میشوی و مجاهد سیمین صالحی گردید. خیرها رسیده حاکی است که در همان شب رفیق مجاهد دیگری بنام ابراهیم جوهری که در جریان انفجار دیگری زخمی شده بود پس از تلاش بسیار برای نجات خویش وقتی پخانه پایگاهیش واقع در خیابان شیخ هادی مراجعه میکند آنجا را نیز در محاصره دشمن میبیند، رفیق مجاهد که در اثر شدت جراحت وارد نمی تواند فرار کند بدست مزدوران رژیم گرفتار می شود.



رفیق محمد ابراهیم جوهری در ابتدای شهریور ماه ۵۰ در جریان یورش به ساواک به قسمت کشف دشمن سازمان مجاهدین خلق بود، دستگیر گردید. دشمن بدلیل اینکه اطلاعات زیادی از وی نداشته پس از مدتی او را آزاد میکند. رفیق پس از آزاد شدن دست از خود سازی برنشاط و در حالیکه بظاهر به زندگی عادی خویش ادامه میداد کوششهای پیکیری برای کمک به اهداف انقلابی سازمان میزد میداشت او در زمستان ۵۱ و تقریباً ۵ ماه پس از آزادی به همراه دو رفیق دیگر شهبید محمد رضا سادات خوانساری و شهید هوشمند حنم‌ای پنا به احتیاج سازمان زندگی مخی را برگزید.

★ دریک در بزی در ساعت ۱۲:۳۰ دقیقه پنجشنبه ۱۱ شهریور ماه در یک خانه پایگاهی مجاهدین واقع در کوچه پس کوچه های محله عودلجان واقع در خیابان سیروس که بین یک تن از مجاهدین و سه تن از نیروهای پلیس اتفاق میافتد یک تن از عناصر کمتیه بنام ستوان دژم کشته می شود و یکی دیگر بشدت زخمی میگردد و مسومی که ستوان پلیس بوده در حالیکه از ترس سلاحش را بجلت تسلیم میاندزد، از صحنه پیکار فرار میکند. سلاح او توسط رفیق مجاهد ضبط میشود. ستوان دژم چندی قبل دریک درگیری دیگر با چریکها زخمی شده بود دربین اعضاء کمتیه به جسارت معروف بوده است.

★ بدنبال اعدام انقلابی محمد فاتح یزدی سرمایه دار مرتجع و عامل کشتار کارگران « جهان چیت » توسط یک واحد از رزمندگان چریکهای فدائی خلق در تاریخ بیستم مرداد ۵۳، و انعکاس وسیعی که این عمل بلافاصله بدنبال توزیع اعلامیه و خطبایی توضیحی چریکها در میان توده های زحمتکش و بخصوص کارگران ایران پیدا کرد، روز شنبه دوم شهریور روزنامه کیهان خبر داد که بزرگترین کارخانه چای شمال در آتش سوخت و مبلغ چهار میلیون تومان به صاحبش خسارت وارد آمد. این کارخانه متعلق به فاتح یزدی بوده که کارخانه چای جهان نام دارد، ولی روزنامه کیهان ضمن آوردن این خبر از ترس تأثیر بخشی مثبت آن بر توده مردم، کوشش بعمل آورده بود تا نه تنها صاحب کارخانه را معرفی نکند بلکه خیلی کوتاه اسم کارخانه را ذکر کرده بود. از این حادثه چنین بر میآید که یک گروه سیاسی محلی و یا خود کارگران، پس از شنیدن خبر اعدام فاتح

جاودانه باد راه شکوهمند فرزندان قهرمان خلق